همسانی‌های محتوایی در شعر
علیرضا قزوه و سمیح القاسم با تأکید بر سه مفهوم عشق، اعتراض و طنز

دکتر قاسم سالاری*
استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج
رضا علی‌اکبری**
دکتر اطهر تجلی اردکان
استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج

چکیده

این مقاله با توجه به مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی به همسانیهای محتوایی اشعار علیرضا قزوه (تولد۱۳٤۲) و سمیح القاسم(۱۹۳۹-۲۰۱٤) دو شاعر معاصر ایرانی و فلسطینی در سه حوزه عشق؛ اعتراض و طنز پرداخته است و نشان می دهد به‌رغم تفاوتهایی که در دیدگاه‌های این دو شاعر هست، به دلیل تجربه شرایطی همگون چون درگیر بودن وطن آنها با جنگ و برخی از مصائب آن، نگاهشان به عشق، اعتراض و طنز قابل توجه و تأمل است؛ چنانکه این نگاه در عشق به دگردیسی معشوق از معشوق شعر غنایی به معشوقی که شهید و مبارز است تحول می یابد؛ در اعتراض به اعتراض به خود و همنوعان و در سطح بالاتر به مجامع حقوق بشری متمایل می‌شود و در طنز از طنزی گزنده و عمیق در سه سطح واژگانی، جمله یا بند، و کلیت شعر بهره می برد.

کلیدواژه‌ها: شعر علیرضا قزوه، شعر سمیح القاسم، شعر تطبیقی پایداری، شعر معاصر ایران و عرب.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۳/۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۷/۳

*نویسنده مسئول: gsalari@yu.ac.ir
** دانشجوی دکتری دانشگاه یاسوج

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

۱. مقدمه

در مقدمه بسیاری از مقالات و پژوهشهایی که در حوزه ادبیات تطبیقی نوشته شده، غالبا به تعریف و تفاوت دو مکتب مشهور این مفهوم یعنی مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی و مکتب آمریکایی اشاره شده است. نویسنده یا نویسندگان محترم این مقالات پس از تعاریفی از این دو مکتب، یکی را انتخاب کرده و بر اساس آن تحقیق خود را بنیان نهاده و به نتایجی دست یافته‌اند. هادی نظری مقدم در مقاله « ادبیات تطبیقی، تعریف و زمینه‌های پژوهش»، که در گرامی نشریه ادبیات تطبیقی (ادب و زبان دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان) بهار ۱۳۸۹ دوره ۱، ش ۲، ص ۲۲۱تا۲۳۷ منتشر شده با بیانی دقیق، که شایسته چنین پژوهشی است و مقام و مجال پرداختن بدانها در این جا نیست به تاریخچه ادبیات تطبیقی و معرفی تاریخمند و علمی دو مکتب مشهور این حوزه و تعاریف آنها از سوی برجسته‌ترین تطبیقگران و منتقدان هر مکتب و هم‌چنین پژوهشهایی که می‌تواند در حوزه ادبیات تطبیقی با این حد و مرز جدید قرار گیرد پرداخته است، می‌نویسد: « حقیقتا باید گفت که ادبیات تطبیقی در مفهوم علمی آن، هیچ‌گاه از پریشانی مفهوم، منطق و قلمرو بحث بر کنار نبوده است؛ اما تطبیقگران معاصر برآنند که فلسفه ادبیات تطبیقی بر مطالعه ادبیات در برون از مرزها مبتنی است؛ خواه این مرزها زبانی باشد و خواه جغرافیایی یا بین رشته‌ای» (نظری مقدم، ۱۳۸۹ :۱٤).

نظری مقدم، زمینه‌های پژوهش در ادبیات تطبیقی مکتب فرانسوی را چنین برمی‌شمارد: « پژوهش در باب واموازه‌ها، ادبیات ترجمه و بررسی مترجمان به عنوان واسطه‌های انتقال پدیده‌ها و آثار ادبی به دیگر ملتها، بررسی سرگذشت انواع ادبی، تحقیق در باب موضوعات و اسطوره‌های فرا ملی، بررسی سرگذشت نویسندگان و تأثیر آنها بر ادبیات ملتهای دیگر، مطالعه منابع خارجی هر اثر یا نویسنده، بررسی مکتبهای ادبی یا جریانهای فکری، تصویر یک ملت در ادبیات ملتی دیگر (تصویرشناسی) ... .

هم او به نقل از رنه ولک منتقد برجسته آمریکایی و پیشتاز مکتب ادبیات تطبیقی امریکایی می‌نویسد: « ادبیات تطبیقی بی‌توجه به موانع سیاسی، نژادی و زبانی به بررسی ادبیات می‌پردازد. نیز امکان ندارد که بتوانیم آن را در روش واحدی محصور کنیم... تطبیقگری نباید در روابط تاریخی محصور بماند؛ چه پدیده‌های بسیار ارزشمند مشابهی در زبانها یا انواع ادبی رایج در جهان وجود دارد که با یکدیگر پیوند تاریخی ندارند ....

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

نیز نمی‌توان ادبیات را در تاریخ ادبیات محدود، و نقد ادبی و ادبیات معاصر را از آن دور کرد (همان، ۹).

در این مقاله بررسیهای در حوزه عشق و اعتراض و طنز بیشتر مطابق مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی خواهد بود؛ چرا که هیچ نشانی از تأثیرگذاری و یا تأثیرپذیری دو شاعر مورد بحث از یکدیگر دیده نمی‌شود؛ این همان نکته‌ای است که منتقدان مکتب فرانسوی و بویژه رنه ولک بر آن انگشت می‌گذارند و نمی‌پذیرند بحث گسترده ادبیات تطبیقی در حد و مرز تأثیرگذاری و تأثیرپذیری محصور شود و با نوعی ملیت‌محوری، خلاقیتهای هنری شاعران و نویسندگان به حاشیه کشانده شود (نقل به مضمون: نظری مقدم، ۱۳۸۹ :۸و۹)؛ با این توضیح باید دید که این اشتراکات و همسانیها در شعر شاعران عرب و ایرانی عموما و شعر قزوه و سمیح القاسم خصوصا از کجا می‌تواند نشأت بگیرد.

شفیعی کدکنی در کتاب شعر معاصر عرب درباره تأثیرات مشترک شعر معاصر عربی و فارسی در صد ساله اخیر می‌نویسد: « آب در ظروف مرتبطه در یک سطح قرار می‌گیرد. آنچه در این صد ساله در شعر عرب اتفاق افتاده عینا در شعر فارسی نیز روی داده است با تفاوتهای مختصری که برخاسته از شرایط متفاوت فرهنگها و ساختارهای حیات این دو قوم است. تأثیرپذیری پروین و بهار و ایرج با تفاوتهایی همان تأثیرپذیری نسل شوقی و ایلیا ابوماضی است و تأثیرپذیری فروغ و شاملو و سپهری همان تأثیرپذیری نسل خلیل الحاوی و البیّاتی و ادونیس است...» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۰ : ۱۵).

رابطه دو فرهنگ فارسی ایرانی و فرهنگ عربی به تبیین نیازی ندارد. با مطالعه دقیق آثار شاعران و نویسندگانی که در این دو فرهنگ قلم زده، و شعر سروده‌اند، می‌توان برخی از همانندیهای ناشی از اوضاع ویژه فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی آنها را تبیین کرد.

موضوع فلسطین، که بنا بر نظر غالب اندیشمندان سیاسی مسلمان موضوع اصلی جهان اسلام است و دغدغه‌ها و خواستهای ملت فلسطین در آثار ادبی شاعران و نویسندگان متعهد معاصر عرب و شاعران و نویسندگان فلسطین و هم‌چنین در آثار شاعران و نویسندگان ایرانی معاصر بازتاب یافته است که بنا به پیام جهانی انقلاب اسلامی خود را به بیان دردها و آلام ملتهای مظلوم سراسر جهان موظف می‌دانند و

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

شرایط مشابهی را در دوران هشت ساله جنگ تحمیلی تجربه کرده‌اند. همسانیهای محتوایی در شعر علیرضا قزوه و سمیح القاسم در زمینه‌های عشق و اعتراض و طنز ناظر بر همین شرایط مشابه و تعهد و مسئولیتهای این دو شاعر است.

۲-۱ پیشینه تحقیق

حضور سمیح القاسم در یک طرف بسیاری از مطالعات تطبیقی در شعر معاصر عربی و فارسی، خود نشان و گواه روشنی از اهمیت این شاعر در مطالعات تطبیقی فارسی و عربی معاصر است که در ذیل به برخی از این موارد اشاره می‌شود که با موضوع این مقاله هم بی‌ارتباط نیست:

– تحلیل تطبیقی درونمایه‌های مقاومت در اشعار سمیح القاسم، حسن حسینی و قیصر امین پور (روشنفکر و ... ۱۳۹۰). نویسندگان در این مقاله به بررسی همسانیها و تفاوتهای شعر مقاومت در عراق و فلسطین و ایران پرداخته، و نشان داده‌اند احساس تعلق به سرزمین، دفع تجاوز و اشغال خارجی از عوامل اصلی بروز و ظهور عناصر مقاومت در شعر این شاعران است (همان، ٤١).

–گستره عناصر نماد و اسطوره در اشعار سمیح القاسم و حسن حسینی (روشنفکر و... ۱۳۹۰). در این مقاله نویسندگان، توجه خود را بر استفاده از نمادها و اساطیر طبیعی و انسانی و حیوانی و مکانی برای بیان مقاومت در شعر دو شاعر مورد بحث با توجه به بازتاب پیامد اشغال فلسطین و حمله عراق به ایران پرداخته، و نشان داده‌اند که سمیح القاسم در این حوزه از حسینی مبتکرانه‌تر و با تنوع بیشتر از این نمادها و اسطوره‌ها بهره می‌گیرد (همان،٤١).

– بازتاب انقلاب و مقاومت از منظر امین پور و سمیح القاسم (نامداری و... ۱۳۹٦). در این مقاله، ظهور ادبیات مقاومت را به فلسطین منتسب می‌دانند و در آن به « انتفاضه»ای اشاره می‌کنند که آن را به معنی « تکاندن غبار از چیزی» معنی کرده‌اند؛ شعر امین پور و سمیح را از دیدگاه درونمایه‌های انقلاب و مقاومت بررسی کرده‌اند (نامداری و ۱۳۹٦: ص۱۰۹تا۱۲۸).

جلوه‌های پایداری وتعهد در شعر سلمان هراتی و سمیح القاسم (سپندی و... ۱۳۹٦). نویسندگان در این مقاله مهمترین عامل پیدایش ادبیات پایداری را در فلسطین و ایران، اشغال فلسطین از سوی صهیونیست‌ها و حمله عراق به ایران دانسته، و هراتی و سمیح

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

را در این مضمون‌ها مشترک یافته‌اند: عشق به وطن، بزرگداشت پایداری مردم، ستایش شهادت و تجلیل از شهیدان و خادمان وطن، ترسیم ماهیت واقعی دشمنان و منافقان، آرمانگرایی، القای حس امید و بشارت در نسل حاضر و نهادینه کردن ارزشهای والا در نسل آینده (همان،۲۳) .

-تحلیل تطبیقی ادبیات مقاومت در اشعار سمیح القاسم و سید حسن حسینی (سالاری خالص ،۱۳۹٦). در این مقاله نویسنده به اشغال فلسطین و حمله عراق به ایران به عنوان دو موضوع مهم اشاره کرده که در ادبیات دو کشور بازتاب وسیعی داشته، و با مطالعه اشعار سمیح و حسینی به این نتیجه دست یافته است که احساس تعلق به سرزمین و دفع تجاوز و اشغال خارجی از عوامل و عناصر مقاومت در شعر این دو شاعر است (همان ۷۳). شباهت نتایج این مقاله با مقاله "تحلیل تطبیقی درونمایه‌های مقاومت در اشعار سمیح القاسم، حسن حسینی و قیصر امین پور" (روشنفکر و...، ۱۳۹۰) آشکار است.

- بررسی تطبیقی ادب مقاومت ایران و فلسطین (آریان و... ۱۳۹۱). در این مقاله اشعار سلمان هراتی و قیصر امین پور با اشعار سمیح القاسم و محمود درویش در بنمایه‌های شعر مقاومت بررسی شده، و شهید و شهادت، دعوت به مبارزه، وطن و وطن پرستی، هویت ملی و مذهبی و... از مضمون‌های مشترک هر دو گروه به‌شمار رفته است (همان، ۹).

درمورد شعر هر دو شاعر- جدا از مقایسه شعر این دو با هم- مقالات فراوانی نوشته شده است:

-راز ماندگاری سروده‌های پایداری سمیح القاسم (میرقادری و ... ۱۳۹۱). مقاله بر آن است که قدرت و پایداری قدرتمندانه در برابر سختی‌ها، هنرپردازی و زیبایی‌آفرینی در شعر مقاومت، تعمیم‌پذیری شعر مقاومت، خوش‌بینی و امید، تعهد به آرمان و مسئولیت انسانی از دلایل عمده ماندگاری شعر سمیح است (میرقادری و...، ۱۳۹۰: ۲۳).

-نوستالژی در شعر سمیح القاسم، محسن پیشوایی علوی، گلاله حسین پناهی، پژوهشنامه نقد ادب عربی، ش ٦، ۱۳۹۱. در این مقاله به عوامل بروز نوستالژی در شعر سمیح القاسم اشاره شده، و با در نظر داشتن موارد سیاسی، اجتماعی، فردی، فرهنگی و داخلی، و ... پناه بردن به آرمانشهر وآرکاییسم به بازخوانی دوران کودکی شاعر، دوستان

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

و خانواده ازدست‌رفته او، غربت روحی و روانی و نوستالژی‌های جمعی از جمله: ارزشها وسنتهای ازدست‌رفته، مبارزان آزادیخواه، شخصیت‌های تاریخی فراموش شده و... پرداخته است.

–تحلیل گفتمان اشعار سمیح القاسم، بر اساس رویکرد بینافردی (رستم پورو...، ۱۳۹۰). نویسندگان این مقاله معتقدند برای کشف لایه‌های اندیشگانی شاعر باید ابتدا گفتمانها را تحلیل و تجزیه کرد؛ بدین منظور دو قصیده شاعر را –یکی قبل از جنگ و یکی بعد از جنگ– با روش تحلیل گفتمان، تحلیل می‌کنند و چنین نتیجه می‌گیرند که حضور گوینده و مخاطب به عنوان مظاهر اصلی ساختار بینافردی بسیار متفاوت است. منظور اینکه گوینده در اشعار قبل از جنگ سمیح القاسم بسیار قدرتمند، و در اشعار بعد از جنگ او ضعیف و معمولا بدون ذکر ضمیر مستقیم حضور دارد و مخاطب نیز با افعال امر و نهی همراه نیست که بیانگر احساس مسئولیت شاعر در برابر ارشاد اوست.

–بررسی مضمونها و حوزه‌های عرفان در اشعار قزوه (عابدی و ...، ۱۳۹٦). در این مقاله به کاربرد واژگان واصطلاحات عرفانی در شعر قزوه پرداخته شده است. ابتدا دلایل و عوامل حضور این اصطلاحات و واژگان چون صحو وسکر، جنون، حال و مقام، درد، پیر، و... بیان، و سپس عواملی چون هویت دینی و مذهبی انقلاب، کنشهای معنوی و فضاهای قدسی جبهه‌ها، و .... هم‌چنین کارکردهای جدید اصطلاحات و واژگان عرفانی در شعر قزوه تبیین شده است.

–شکواییه و اعتراض در اشعار علیرضا قزوه، (سازمند، ۱۳۹٦). نویسنده در این مقاله اختصاصا به شعر اعتراض علیرضا قزوه در حوزه دفاع مقدس پرداخته و آورده است که شعر اعتراض قزوه انواع متفاوتی دارد: اعتراض به بی‌عدالتی، فراموشی شهیدان، اعتراض به دگرگونی ارزشها، انتقاد بر بی‌اعتنایان به جنگ، اعتراض به تجمل‌گرایی و... .

–شعرو شخصیت قزوه، گفتگوی عبدالرحیم سعیدی راد با حجه‌الاسلام رشاد، (شهرستان ادب، ۱۳۹۲). در این گفت‌وگو، مصاحبه شونده، قزوه را شاعری دردمند و انقلابی می‌داند که همه نحله‌های سیاسی وادبی، شعر او را می‌ستایند. افق فکری شاعر را جهانی می‌داند و معتقد است در شعرش به یاری مظلوم می‌شتابد و به ظالم می‌تازد؛ حال این ظالم ومظلوم هرجای این کره خاکی می‌خواهد باشد برای اومهم نیست. زلالی اندیشه، صلابت فکر، تلمیح، هندی بودن زبان و ... را از دیگر ویژگیهای شعر قزوه

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

برمی‌شمارد.

از میان مطالعات تطبیقی فارسی و عربی درباره شعر قزوه مقاله « بررسی تطبیقی دورنمایه اعتراض در شعر احمد مطر و علیرضا قزوه» (حسینی مؤخر و ...، ۱۳۹۵)، قابل توجه است. نویسندگان این مقاله ضمن تأکید بر اینکه دو شاعر از برجستگی خاصی در شعر عربی و فارسی در حوزه شعر اعتراض برخوردارند، می‌نویسند: بررسی شعر این دو شاعر حاکی است که اشعار اعتراضی آنان عمدتا در دو جهت سیاسی و اجتماعی است با این تفاوت که لبه تیز تیغ انتقادهای احمد مطر متوجه حاکمان عرب بوده و بیشتر اعتراضهایش سیاسی است؛ اما اعتراضات قزوه بیشتر جنبه اجتماعی دارد. در این مقاله، اعتراض به فقر و بی‌عدالتی و فراموش شدن مسأله فلسطین و غفلت و بی‌خبری جامعه، ظلم و ستم دولتهای استکباری و فراموش شدن ارزشهای دینی و ملی از درونمایه‌های مشترک اعتراض در شعر دو شاعر برشمرده شده است.

تنها تحقیقی که شعر این دو شاعر (سمیح القاسم و قزوه) را با هم مقایسه کرده، پایان نامه کارشناسی ارشدی است که آذین آذرمهر در سال ۱۳۹۳ در دانشگاه اصول دین قم با عنوان " نمادپردازی در شعر سمیح القاسم و علیرضا قزوه" از آن دفاع کرده است. نویسنده در این پژوهش، نمادهای پایداری و مقاومت را مقایسه کرده است که قزوه و سمیح القاسم در اشعار خود به کا برده‌اند و خواسته است با رویکرد تطبیقی و با تفسیر این نمادها، لایه‌های چندگانه و ضمیمه چندمعنایی و چندسویگی آنها را تبیین عقلانی کند. نویسنده در این پایان نامه نتیجه می‌گیرد که هر دو شاعر از نمادهای ساده و اصلی دال بر پایداری بهره برده‌اند؛ اما قزوه بیشتر از نمادهای عمومی و سمیح القاسم از نمادهای خاص استفاده کرده است. در ص ۹۵ تا ۹۸ این پایان نامه، وجوه تشابه و تفاوت شعر قزوه و سمیح و گستره کمی نمادپردازی در شعر این دو شاعر اشاره‌وار برگذار شده است.

۲. بحث

هرچند «آدونیس» شاعر سوری در یکی از محافل جهانی شعر می‌گوید: اگر سیاستمداران جهان «همسان» بیندیشند، جهان به بهشت بدل می‌شود و اگر شاعران «یکسان» بنویسند، جهان به جهنم بدل می‌شود! (بسیسو،۱۳۷۳: ۸). امّا این سخن آدوینس، که با طنزی همراه است، منکر این نیست که شاعران در اقطار مختلف جهان، نباید

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

شباهتهایی در ساختار و محتوای کارهایشان باشد، بلکه نظر او بیشتر بر ناپسند بودن یکسانی دیدگاه‌ها و تکرار و رونویسی شاعران از روی دست یکدیگر است. اساسا ظهور مطالعات ادبیات تطبیقی در اوایل قرن نوزدهم، خود بیانگر این همسانیها و یکسان اندیشی‌ها در حوزه ادبیات است.

پیوند نام دو شاعر یا دو نویسنده از دیرباز به علل گوناگون وجود داشته است. این پیوند یا از سر هم‌عصر (معاصر) بودن و داشتن همسانیهای اندیشگانی است (مثل عطار ومولوی) یا از حیث ویژگیهای روحی (ناصر خسرو و سیف فرغانی از لحاظ دیدگاه انتقادی-سیاسی) و...؛ امّا آنچه از همه مهمتر، و ادیبان و شاعران و منتقدان را به خود مشغول داشته است، پیوند و مطالعه تطبیقی میان دو شاعر یا نویسنده از حیث «یکسان‌اندیشی» است. دو شاعر مورد مطالعه ما (قزوه و سمیح القاسم) با توجه به برخی از شرایط مشابه در وطنهایشان (مبارزه فلسطینیان با اشغالگران صهونیست و مبارزه رزمندگان ایران با دشمن بعثی) با دیدگاهی تقریبا نزدیک به عشق، اعتراض و طنز قلم زده‌اند. اولین موضوعی که به نظر می‌رسد لازم است در این بررسی به آن توجه کرد موضوع وطن است.

۱-۲ وطن

در شعر سمیح به علّت تفاوت دیدگاه مذهبی که با قزوه دارد، این مهّم یعنی مفهوم وطن نمودی چون قزوه ندارد. وطن در شعر قزوه از وطن در شعر سمیح القاسم خیلی گسترده‌تر است. عراق، فلسطین، لبنان و ... همه جا وطن قزوه است و به نوعی جهانی می‌اندیشد و به اندیشه جهان‌وطنی(cosmopolitisme)[1] گرایش دارد. او برای مظلومان همه کشورها شعر می‌سراید (قزوه، ۱۳۸٤: ۷۹و۱۳٤). قزوه از وطن خود با نام «اینجا» و گاه با ذکر نماد «باغ» یاد می‌کند:

من اینجا سرد سردم ای دل، ای دل — جدا از اهل دردم ای دل ای دل
من و رفتن به سمت روشنـــایی — دعا کن برنگردم ای دل ای دل

(قزوه،۱۳۸٤: ۲۰)

چرا چون خار فرسودم دراین باغ — چرا بی داغ آســـــودم در این باغ

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

گلستان در گلســـــتان لاله روییدچه می‌شد لاله‌ای بودم دراین باغ؟

(همان:۲۰)

و گاه با آوردن مجاز (از نوع جزء و کل) یعنی با ذکر «اندیمشک» همه وطن خود را اراده می‌کند. تمام اشعار مجموعه «قطار اندیشمک» و «حب الوطن» قزوه به پهنه‌ای خاص از جغرافیا منحصر نیست؛گویی قزوه در این زمینه چون شیخ بهایی می‌اندیشد:

این وطن جایی است کو را نام نیست این وطن مصر و عراق و شام نیست

(بهایی،۱۳۹۰ :٤٨)

امّا بیشترین تأکید سمیح بر «فلسطین اشغالی» است:

یا مجلس الامن اقدیم /اراک فی القدس القدیمه (القاسم،١٩٨٧:٦٣٦)

ای شورای قدیم امنیت/ تو را در قدس خواهم دید/ در قدس قدیم.

(بیدج،۱۳۷۳: ٤٣)

و یا:

عنقی علی السکین یاوطنی/ولکنی اقول لک:انتظرنی!/...انا لم ابعک. (القاسم،١٩٨٧ :٦٨٨)

گلو بر دشنه دارم میهنم!/ اما می‌گویم چشم انتظارم باش/ من تورا نفروخته‌ام (بیدج،۱۳۷۳ :٤٤).

۲-۲ دگردیسی معشوق

منظور از دگردیسی در لغت، دگرگونی، تغییر شکل دادن جانوران ... و تغییر مشهور وکمابیش ناگهانی در شکل یا ساختمان و نیز معمولا در عادات و رفتار است (دهخدا، ذیل دگردیسی). منظور از دگردیسی معشوق در این مقاله، گونه‌گون شدن شمایل معشوق نزد شاعر است؛ اینکه شاعر هر لحظه دوست داشتن وعشق ورزیدن خود را متوجه یک نفر یا یک گروه یا بومزاد خود و دیگری کند و معشوق خود را در عشق‌ورزی تغییر دهد.

عشق‌ورزی شاعر مقاومت با عشق‌ورزی شاعر غنایی متفاوت است. شاعر مقاومت به جای تقلید از دیگر شاعران غزلگوی عاشق، که مضامینی مکرر در ذکر محاسن معشوق می‌سرایند، از خون و عصب و پیراهن شهید و پوتین مبارز و ... داد سخن می-دهد؛ به جای رایحه گلهای مشام‌نواز از بوی باروت و خردل و تاول و از گازهای شیمیایی می‌نویسد و اگر جایی هم از معشوق زمینی شعر می‌سراید و از اندام و

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

رفتارهای عاشقانه معشوق می‌گوید برای هدفی والاتر است و هدفش صرفاً سرایش شعر عاشقانه و توصیف تن معشوقه نیست. بنابراین جلوه‌هایی متفاوت از دیگر شاعران در حوزه عشق و معشوق در شعر او متجلی می‌شود.

۱-۲-۲ معشوق دوست شاعر است.

هم قزوه و هم سمیح از دوست خود به معشوق شعری یاد می‌کنند.

قزوه گاهی در شعرش از عنوان کلی «دوست» استفاده می‌کند:

آه! دوست من/ چگونه خاموش بنشینم/ چگونه خشمگین نباشم/ انگار همه قصد ماندن کرده‌اند/ و توفانی در راه است/ و مردی می‌آید! / ... (قزوه، ١٣٨٤ : ٦٩)

و گاه این «دوست و معشوق» با عناوین خاص در شعر وی می‌آید:

«گوران» بیشماری می‌بینم/ «عبداله» را گریان می‌بینم در خواب/ و مژگان «شیر کو» را «سوتماک»۲ ... (همان : ۸۰).

سمیح القاسم شعر «برای مردن وقت نداریم» را به «معین سبیسو» تقدیم می‌کند:

کوفیه فی الریح تخفق/ خصله من شعرک الوثنیّ/ مشبعهٌ بملح البحر/تخفق/ عندلیب الرّوح یخفق//آخ/ من قضبان صدرک/ ضاق بالاعصار (القاسم،۱۹۹۳:ج۳ص۱۷۹)

چفیه‌ای در باد می‌تپد/ طره‌ای از زلف کافرکیش تو/ سرشار از نمک دریا می‌تپد/ بلبل روح می‌تپد/ آخ!/ میله‌های سینه‌ات/ از دست توفانها به تنگ آمده‌اند/ ... (بیدج، ۱۳۷۳ : ۲۱) و در شعری دیگر با عنوان «شبانه بر دروازه لورکا» آن را به شاعر اسپانیایی تقدیم می‌کند:

فدرکو/ قندیل الحزن قمر/...فانزل/ انا منتظر فی الساحه... (المجموعه الکامله، الجز الثالث: ۱۷۵)

فدریکو/ شحنه/ چراغ را افسرد/ فرود آی!/ تو را من/ چشم در راهم/ در میدان/ .... (بیدج،۱۳۷۳: ۲۹).

۲-۲-۲ معشوق هر دو شاعر گاه «شهید» است.

قزوه در این زمینه صراحتا از شهیدان با نام کلی و یا با اسم خاص سخن می‌گوید:

خوشا آنان که جانان می‌شناسند طریق عشق و ایمان می‌شناسند
بسی گفتیم و گفتند از شهیـــدان شهیدان را شهیدان می‌شناسند

(همان : ۲۱)

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

قزوه در شعری با عنوان «خون تو زنگ نخواهد زد» از شهید «یحیی عیاش» فلسطینی می‌گوید:

در درخت پنهان می‌شوی/ و مرگ را/ چون برگ/ بر سر دشمن می‌ریزی/ گنجشکی بر شانه تو می‌نشیند/ و کلاغی منفجر می‌شود/ ... (همان : ١٣٤)

در شعر «آن دو غیرت» نیز از شهیدان «خرّازی و زین‌الدین» با اسم خاص یاد می‌کند:

ای تبسّم آبی، سبز پوش علیّین — از بهشت می‌آیی، پیش ما کمی بنشین ....
بعد از این در این بازار ضرب عشق باید زد — هم به نام خرّازی، هم به نام زین‌الدّین
(همان :١٣١)

و در مثنوی «این همه یوسف» (ص ٩٨) از شهیدان بسیاری (افشردی، همّت، جهان آرا، ...) یاد می‌کند.

در شعر سمیح نیز از شهیدان مقاومت یاد می‌شود:

غاص فی الیل/...وعلی حین غرّه/ شهق الیل/ عندما غاص فی صدره الرصاص (القاسم،١٩٨٧:٤٢٥)

–در شب فرو رفت/ و ناگهان نفس کشید/ وقتی گلوله بر سینه‌اش نشست/ ... (بیدج، ١٣٧٣ : ٣٧).

در مقدمه ذکر شد که نگاه قزوه هم در مورد وطن و هم در مورد شهیدان مقاومت، وسیعتر و کلی‌تر است. وطن برای قزوه همه جغرافیایی است که مظلومی با ظالمی درگیر است و شهید، هر کسی است که برای احیای حق در هر جای این کره خاکی، خونش ریخته می‌شود؛ اما سمیح القاسم نگاهش به وطن خود محدود است؛ آن هم با دستان بسته و کمتر از اسوه‌های مقاومت دیگر کشورها شعر می‌سراید:

عنقی علی السکّین یاوطنی/ ولکنّی اقول لک: انتظرنی/ و یدای خلف الظهر یا وطنی/ مقیّدتان/... (القاسم،١٩٨٧ :٦٨٨)

گلو بر دشنه دارم، میهنم! / امّا می‌گویم: چشم انتظارم باش/ دستهایم از قفا بسته است/ ... (بیدج،١٣٧٣: ٤٤).

٣-٢-٢ معشوق «مرگ» و یا شهادت است.

مرگباوری و انعکاس آن در شعر دو شاعر به فراوانی یافت می‌شود؛ امّا با تفاوتهایی در دیدگاه آنان. قزوه، سپهری‌گونه، مرگ را مثل خوشه انگور به دهان می‌برد؛ طلب مرگ

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

می‌کند و از خدا شهادت را می‌خواهد و به دلیل عقب ماندن از قافله شهدا حسرت می‌خورد:

عمری به اسارت تو بودم ای مرگ　　لرزان ز اشارت تو بودم ای مرگ
امروز خوش آمدی، صـفا آوردی　　مشتاق زیارت تو بودم ای مـرگ
(قزوه، ١٣٨٤ : ٢٣)

یا :

من اینجا سرد سردم ای دل، ای دل　　جدا از اهل دردم ای دل، ای دل
من و رفتن به سوی روشنـایی　　دعا کن بر نگردم ای دل، ای دل
(همان: ٢٠)

سمیح از مرگ می‌هراسد! پایی در زندگی دارد و پایی در نیستی! و از دوستش «بسیسو» به دلیل زندگی کردن بعد از مرگ او به جای طلب مرگ، عذرخواهی می‌کند:

حاولت ان آتیک/ معتذرا لموتک عن حیاتی/... (القاسم،١٩٩٣: ج ص٣٣٩)

کوشیدم بیایم/ تا پوزش بخواهم از مرگت/ برای زندگی‌ام/ ... (بیدج،١٣٧٣ : ٢٥)

و شاید همین عدم پذیرش قطعی مرگ توسط سمیح القاسم و دل در گرو دنیا داشتن باشد که بار کلمات عاشقانه و ملموس، که خاص شعر عاشقانه و غنایی است، در شعر او کم نیست:

اغنی لک الآن/ انیق الامراه/ لک الآن غنای/... (القاسم،:١٩٩٣ج٣ص٣٣٩)

اینک برای تو می‌خوانم/ زیباترین بانو! / برای تو، اینک، آوازم (بیدج،١٣٧٢: ٣٤).

لا تسالینی: کیف؟-یا حبیبتی- واین؟ وبعد ساعه من الزمان/ یموت فی السفاین الضجیج/ والنورسان...بمیضان... (القاسم،١٩٨٧:٣٩٨)

دلدار من / از من نپرس / چگونه یا کجا؟ / به ساعتی دیگر / هیاهوی کشتی‌ها /فرو خواهد خفت/و دو مرغ دریایی/خواهند رفت... (بیدج،١٣٧٣:٥١) و حتی رفتارهای ظریفانه عاشق ومعشوق در شعر او به فراوانی یافت می‌شود:

صوتی یجییک زهره الحمرا/ فالی القإ (القاسم،١٩٨٧:٦٣٦)

صدای من / چونان گلی سرخ/ به سوی تو می‌آید/ به امید دیدار .../ (بیدج،١٣٧٣ : ٤٢).

نزار قبانی معتقد است: «شعر معاصر عرب برهنه و بی‌قید است؛ به هر سو که می‌خواهد می‌تازد؛ با هر که می‌خواهد می‌نشیند؛ گاه شانه کوچکی می‌شود و بر زلف انبوه دختری می‌نشیند و زمانی مسلسل می‌شود در دست عاشق» (نزار قبانی، ١٣٦٤ : ٦)

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

والبته همین «زن» می‌تواند دوشادوش مبارزان و شاعران پایداری بایستد و عشوه کند و مرد خود را به جنگیدن و سرودن تحریض کند:

«زن اینک نزد من، سرزمین انقلابی و وسیله‌ای از وسایل تحصیل آزادی است» (همان: ۲۷).

البته در حوزه اعتقاد به منجی نیز این دوشاعر دیدگاهشان متفاوت است؛ مثلاً اعتقاد به منجی در جای‌جای شعر علیرضا قزوه مشهود است (قزوه،۱۳۸٤: ۲۲و ٦۰و٦۱و ٦۹ و ...)؛ اما هیچ‌جا سمیح القاسم از منجی نمی‌گوید که این امر می‌تواند به علت تفاوت مذهب دو شاعر باشد.

۳-۲ اعتراض

سنایی و ناصر خسرو را در تاریخ ادبیات فارسی می‌توان از پیشگامان شعر اعتراض نامید. «از سنایی به بعد یعنی تا عصر بیداری و جنبش مشروطیت شاعری نداریم که صفت «شاعر معترض» برازنده‌اش باشد» (مهدی نژاد، و ...، ۱۳۸۸ : ۱۲)؛ هرچند سیف فرغانی (٦۰٦-٦۹۱ه.ق) و عبیدزاکانی (۷۰۱-۷۷۲ه.ق) با زبانی گزنده و طنزآلود در انتقاد سردمداران بی درد و ابنای بی‌خیال زمانه خود از این حیث سرآمد به شمار می‌آیند.

در زمینه شعردفاع مقدس باید گفت این نوع شعر در کشور ما یا انقلابی و مذهبی بود یا ملی و میهنی که ملی و میهنی آن یا مورد تأیید حکومت و دولتمردان بود یا شعری ضد جنگ!

«در دوره بعد از جنگ شعر دفاع مقدس دو شاخه شد:

۱-رسمی و سفارشی ۲-غیررسمی و خودجوش

که شاخه دوم کم کم پخته‌تر و شکیل‌تر شد که بعدها کارشناسان ادبی و منتقدان از آن به عنوان «شعر حسرت و اعتراض» یاد کردند» (فروغی جهرمی، ۱۳۸۹ : ۵۰۵).

این اعتراض در شعر به گونه‌های زیر است:

-به خود شاعر است.

-به همنوعانی که ظلم‌پذیرند و برای ظلم‌ستیزی اقدامی نمی‌کنند.

-به بیدردان مرفّه و عافیت‌طلب است.

-به اروپاییان و غربیان است.

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

-به سازمانهای حقوق بشری است که منفعلانه عمل می‌کنند.

قزوه در مقدمه کتاب «قطار اندیمشک» می‌گوید:

«شعرهای این دفتر در یک چیز مشترک هستند و آن مقاومت است و اعتراض» (قزوه، ١٣٨٤ : ١١).

١-٣-٢ اعتراض به خود

قزوه در اشعار زیر نسبت به سنگدلی، دلبستن به دنیا و فراموش شدن شهیدان معترض است:

زین داغ سنگ سوخت، ولی من نسوختم　　چشمان من شراره غیرت مگر نداشت؟

(قزوه، ١٣٨٤ : ١٦)

اگر یک ذره بو می‌بردی از عشق　　به دنیـــا دل نمی‌بستی دل من

(همان : ٢٢)

کوشیدم بیایم/ چقدر کوشیدم/ اما تهیدستم / ... (همان: ٢٤) و سمیح به سقوط انسانیت در درون خود اعتراض می‌کند:

سرغامض جاذبه/ سقطت عن امها تفاحه/یا مستر نیوتن/ملف مغلق/ خطبه التابین/ سقطت طایره الروح/... (القاسم،:١٩٩٣ج٣ص١٥٥)

سیبی از مادرش افتاد/ ای مستر نیوتن/راز جاذبه/ میان شیر و پوسته من نهفته است و سقوط انسانیت/... (بیدج،١٣٧٣:٧٣).

٢-٣-٢ اعتراض به نالایقان و بیدردان

قزوه به گمنامی شهیدان، ثروت‌اندوزی شیادها با نام آنان و سکوت دین‌فروشان دنیادوست و مردان بی‌تحرک و تأثیر، معترض است:

سخت گمنامید، امّا ای شقایق‌سیرتان　　کیسه می‌دوزند با نام شمـــا شیادها

(قزوه، ١٣٨٤ : ١٨)

هلا　دین‌فروشان　دنیاپرست!　　سکوت شما پشت ما را شکست

(همان : ٢٧)

آی مردان چرت!/مردان خطّ و خطّبازی! مردان خرناسه! هنوز نیزه‌های شکسته برجاست ... (همان : ٦٢).

سمیح هم در این مورد دقیقا چون قزوه می‌اندیشد:

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

انهض/ ولاتنهض/ فاشباه الرجال/ کما عهدت/ علی الرجال اباطره.. (القاسم:۱۹۹۳ج۳ص۱۹۰)
برخیز ! که مردواره‌ها/ هم‌چنان بر مردها سرورند! / ... (بیدج، ۱۳۷۳ : ۲۵)

۳-۳-۲ اعتراض به اروپاییان و غربیان معاند

نگاه شعر دوره جنگ در کشور ما به مرزها محدود می‌شد؛ بعد از جنگ اعتراضش به دشمن داخلی بود؛ اما در مرحله سوم است که اعتراض شاعران داخلی با اعتراض شاعران دیگر کشورها درهم می‌آمیزد و «ادبیات پایداری» شکل می‌گیرد. نمودار زیر از کتاب مقوله‌ها و مقاله‌ها، مجموعه مقالات شعر جنگ به کوشش محمد قاسم فروغی جهرمی، ص ۵۱۰ معرف این تقسیم بندی است:

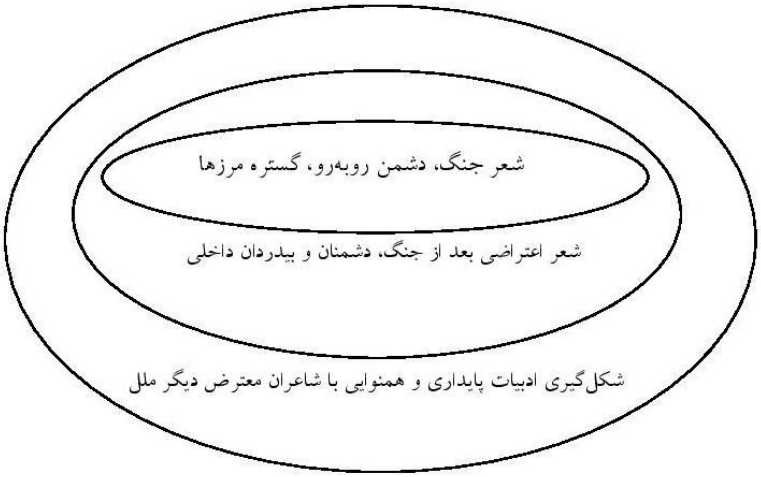

قزوه در همنوایی با شاعران معترض دیگر ملتها بویژه شاعران فلسطینی چنین می‌گوید:

-گوساله را با خوک، جمع کن/ نجاست را با سیاست امریکایی/ تا مثل من بدت بیاید از قصاب پسر/ از چاقوی سیاست/ بدت بیاید از آریل شارون و رایس/ ... (قزوه، ۱۳۸٤ : ۱٤۸).

ای خدای آفریننده موسی و فرعون با هم/ که قادری جرج کوچک را / به یک گنجشک/ یا یک سوسمار بدل کنی/ ... (همان: ۱۵۳).

سمیح به سیاستهای نظامی و اقتصادی دولت امریکا اعتراض می‌کند:

تلک سمفونیه الکاوبوی/ تعزفها اساطیل الخرافه/ فی طقوس الصّم/ تعزفها علی اوتار قلبک انت/ موعظه من الشرکات/ والبورصات/ والثکنات/... (القاسم، ۱۹۹۳: ج۳ص۱۸۳).

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

–این سمفونی گاوچرانهاست/ که ناوگانهای موهومش می‌نوازند/ بر تارهای قلب تو/ در فصلهای ناشنوایی/ موعظه‌گونه، می‌نوازندش/ از سوی شرکتها/ و بازارهای بورس و سربازخانه‌ها ... (بیدج، ۱۳۷۳ : ۲۲).

سمیح در شعری با عنوان «اروپاییان» می‌سراید:

یخرجون مساءً لنزهتهم فی الحدایق/ الکلاب المدلّله الناعمه حولهم/ والصغار النظیفون بفترینه حالمه/... (القاسم، ۱۹۹۳:ج۳ ص۲۵۸).

عصرها / برای گردش به پارک می‌روند/ سگهای نازپروردهٔ ملوس/ بر گردشان/ و کودکان تمیز/ که به ویترینهای رؤیایی می‌چسبند/... (بیدج: ۱۳۷۳ :٤٨).

٤-۳-۲ اعتراض به سازمانهای جهانی و حقوق بشری منفعل و سکوت آنها در برابر ظلم

قزوه از رئیس جمهور امریکا (بوش) و شورای امنیت گله می‌کند:

–از بوش و / گوسفندهای مرینوس و / شورای امنیت/ بدم می‌آید و دارد سرگیجه می‌رود اعصابم/ ... (قزوه، ۱۳۸٤ : ۱۵۲) و سازمان ملل را از یک بادمجان بی‌خاصیت‌تر می‌داند و شورای امنیت را بازیچه قدرتها:

–ای خدای آفرینندهٔ بادمجان و سازمان ملل/ خدای آفرینندهٔ شورای امنیت و منچ!/ ... (همان : ۱۵۳)

– حالا قطاری از سلام/ در زیر خاک، راه می‌اُفتد/ و می‌رسد چه زود/ به کربلا/ به وادی السّلام نجف/ این قطار را/ نه سازمان ملل می‌بیند/ نه ماهواره‌ها/ فقط او می‌بیند و شاعران! / ... (همان : ۱۸۲).

سمیح هم ازگوش ناشنوای شورای امنیت ناله سر می‌دهد:

نادیت من عشرین عام/ یا مجلس الامن المقره–آه–/ من عشرین عام (القاسم ،۱۹۸۷:٦۳۵).

–بیست سال است فریاد می‌کنم/ ای شورای محترم امنیت/ آه، بیست سال است/ فریاد می‌کنم/ ... (بیدج، ۱۳۷۳ : ٤۲).

سمیح در شعری با عنوان «به تمام مردان شیک‌پوش در سازمان ملل» اعتراض خود را عمیقاً ابراز می‌کند :

ایها الساده من کل مکان/ ربطات العنق فی عز الظهره/ والنقشات المثیره/ ما الذی تجدیه فی هذاالزمان؟/...ایهاالاحذیه اللامعه الاسودا من کل مکان/ نقمتی اکثر من صوتی/... (القاسم،۱۹۸۷:۱۵).

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

-آقایان / در هر کجا که هستید/ کرواتهایتان در گرمای روز/ و نقشه خیال انگیز/ چه سودی دارند امروز؟ / ...ای کفشهای سیاه براق/ در هر کجا که هستید/ خشمم/ بزرگتر از صدای من است/ ... (بیدج،۱۳۷۳ : ٤٧و٤٦).

فی الخامس/ من شهر حزیران الماضی/ طار جمیع القتلی الامم المتحده/ واشترکوا بالجلسه غیر العّا دیه/... (القاسم،۱۹۸۷:٤۲۸).

-در پنجم ژوئن/ تمام کشتگان/ به سازمان ملل پرواز کردند/ تا در جلسه فوق‌العاده شرکت کنند! / ... (بیدج،۱۳۷۳: ۵۳).

٤-۲ طنز

«طنز واژه‌ای است عربی به معنی تمسخر و استهزا و در اصطلاح به آن دسته از آثار ادبی اطلاق می‌شود که با دستمایهٔ آیرونی و تحکم و طعنه به استهزا و نشاندادن عیبها، زشتیها، نادرستیها و مفاسد فرد و جامعه می‌پردازد (داد، ۱۳۷۵ : ۲۰۸).

قبل از بیان این موضوع در شعر قزوه و سمیح، باید یادآور شد که طنز هرچند به عنوان نوع ادبی در فرهنگهای ادبی معرفی شده است، غالبا در بسیاری از موارد بسیاری از شاعران یا نویسندگان آن را به صورت مفهومی و نه قالبی خاص در میان نوشته‌ها و سروده‌های خود چون شعر، نمایش، داستان، رمان، داستان کوتاه، مثنوی، غزل و ... به کار برده‌اند. طنز حافظ هیچ‌گاه در قالب و نوع ادبی آن بروز نیافته بلکه در میان غزلهایش ساری و جاری شده است. این نوع طنزهای مفهومی را در بسیاری از متون ادبیات کهن فارسی یا شعر معاصر می‌توان شاهد و ناظر بود بی‌اینکه نام طنزپرداز به شاعر یا نویسنده آن متون بدهند.

با این نگاه است که طنز در اشعار قزوه و سمیح القاسم به فراوانی در سه سطح کلمه، جمله و بند و کلیت شعر دیده می‌شود.

۱-٤-۲ طنز در سطح کلمه

گاهی کلمه‌ای وقتی خارج از عرف معهود زبان در کنار کلمه‌ای جدّی می‌نشیند، باعث ایجاد طنز و به دنبال آن تأمل در خواننده می‌شود.

-ای خدای آفرینندهٔ بادمجان و سازمان ملل (قزوه، ۱۳۸٤ : ۱۵۳)

خدای آفرینندهٔ شورای امنیت و منچ! (همان : ۳٦)

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

قزوه با آوردن غیرمتعارف کلمه «آقا» بر سر کلماتی که کنایه از صفت اشخاص خاصی است، آشنایی‌زدایی طنزآمیز می‌سازد:

-سلام آقای شعار/ سلام آقای هوار/ سلام آقای سه طبقه/ سلام آقای شش طبقه/ آقای نه طبقه/ آقای محلّل/ ... (قزوه، ١٣٨٤: ٥٨).

... شب به خیر آقای میز!/ تو را به صندلی‌ات سوگند نمی‌دهم/ که از عراق بیرون بروی/ به صندلی‌ات سوگند/ که تو جز میز هیچ نمی‌فهمی/ (همان : ١٥٨) و گاه موصوف را به صفتی غی متعارف اضافه می‌کند:

-آی مردان چرت/ مردان خطّ و خطّبازی/ مردان خرناسه/ ... (همان : ٦٢).

سمیح هم در زبان شعری خود چنین ترکیبهایی می‌سازد: در شعر زیر، کلمه "محترم " مابین عبارت عادی و رسانه‌ای "شورای امنیت " آمده و نوعی استعاره تهکمیه (مجاز به علاقه تضاد) ساخته است:

نادیت من عشرین عام/ یا مجلس الامن الموقره-آه-/ من عشرین عام/...(القاسم، ١٩٨٧:٦٣٥).

-بیست سال است فریاد می‌کنم/ ای شورای محترم امنیت/ آه، بیست سال است/ فریاد می‌کنم/ ... (بیدج، ١٣٧٣ : ٤٢).

کلماتی مثل آقا، مرد، حاج آقا، محلّل و ... در شعر هر دو شاعر دستمایه طنز می‌شود که در عرف زبان غالبا معنایی مثبت و جدّی دارد:

تستطیعون یاسادتی/ ان تحیلوا القمر/ مخبرا تافها و الجبل خاینا.../ (القاسم،١٩٨٧:٤٣٥).

-می‌توانید آقایان!/ از ماه خبرچینی بسازید/ و از کوه خائنی/... (بیدج، ١٣٧٣ : ٥٥).

سمیح در شعر"آقای کی؟"با کلمه «مَرد» ترکیب «موش – مرد» را می‌سازد:

جرذ- الرجل/ یتکاثر فی الانفاض (القاسم،١٩٩٣:ج٣ص٣٨٤).

موش– مردی/ در ویرانه‌ها / به کار تکثیر نسل است/ ... (بیدج،١٣٧٣ : ٦٥).

٢-٤-٢ طنز در سطح جمله و بند

در شعر قزوه گاه طنز از سطح کلمه در می‌گذرد و به جمله و بند می‌رسد:

مادر سه شهید دق کند/ امام خون دل بخورد/ حلیمه به خاک سیاه بنشیند/ و حاج آقا صیغه چهاردهمش را بخواند/ ... (قزوه، ١٣٨٤ : ٣٦).

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

-گفتم: چیزی بخوان/ گفت : شرمنده‌ام/ یک سال است چیزی نگفته‌ام/ گفتم: برای عاطفه‌ای که در ما مرده است/ رحم الله من یقرء الفاتحه مع الصلوه/ (همان : ۳۷).

-احمق‌ترین‌ها/ برای گرفتن نوبل/ به شبکه‌های بی بی سی و واشنگتن دخیل بسته‌اند/ ... (همان: ۳۸).

-گیتی، گیتار را ترجیح می‌دهد/ سوزی بی‌آنکه خجالت بکشد/ نامه "بوی فرندهایش" را برای مادرش می‌خواند/ ... (همان: ٤٠).

در میان اشعاری از سمیح نیز چنین طنزی جریان داردکه گاه به کاریکلماتور نزدیک می‌شود:

روحٌ /ینبح مجنوناً فی المقبرۀ الیلیهّ (القاسم، ۱۹۹۳:ج۳ص۳۸۲).

-روحی/ که در گورستان شبانه/ دیوانه‌وار/ پارس می‌کند. (بیدج، ۱۳۷۳ : ٦٢).

رجل – افعی/ جرذ- رجل/ یتکاثر فی الانفاض (القاسم،۱۹۹۳:ج۳ص۳۸٤).

-اژدها– مردی/ موش – مردی/ در ویرانه‌ها/ به کار تکثیر نسل است (بیدج،۱۳۷۳ : ٦٥).

۳-٤-۲ طنز در کلیت شعر

عنصر غالب بعضی از سروده‌های این دو شاعر، «طنز» است؛ یعنی با طنز شروع می‌شود؛ ادامه می‌یابد و با طنز پایان می‌پذیرد. البته طنز غالباً با عنصر اعتراض در این کارها به هم آمیخته است. این اشعار چون طولانی است به آوردن پاره‌هایی از آنها بسنده می‌شود:

-و تهمت، صله شعرهای من شد!/دلتنگ نیستم/وکفی بالله شهیدا/ببخشید اگر پایم را/ازگلیمم بیشتر دراز کردم/تقصیرکوچکی گلیم بود!...../شاعر/درمیتینگ‌های ادبی/ازسالنهای مجلل سر در می آورد/شاعر وقت‌شناس باید فقط زیباییها را ببیند/مهم نیست اگرصندلیهای چرخدار/چرخ غرور می‌زنند/مهم نیست اگر به اسلام وصله ناجور می‌زنند/شاعر باید مگسش را بپراند/شاعر باید چشمش کورباشد.... (قزوه،۱۳۸٤:٥٠).

دیروز در خیابان زنی را دیدم/که مانتوهای سبک سامورایی را تبلیغ می‌کرد/با آستینهای تنگ/مخصوص آنان که با تیمم نماز می‌خوانند/وتاجری سه تیغه را/که به مرد شش میلیون دلاری محل نمی‌گذاشت/هزارتا چاقو می‌ساخت/همه‌اش را احتکار می‌کرد/در یک گوشه مردم با دوحلقه لاستیک، خوشبخت می‌شدند... (همان:٥٣).

....ملت یتیم می‌شد اگر/این مشت زن نبود/دولت یتیم می‌شد اگر/آن برادران نبودند/ سیاست یتیم می‌شد اگر/ این"مادموازل" نبود/خانقاه غیر انتفاعی/مجهز به شومینه و شعر و یاهو/

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

مریدهای تمام وقت می‌پذیرد... (همان:۹۱).

سمیح با اضافه کردن کلمه «قدیم» به شورای امنیت گویی می‌خواهد بی‌تأثیری آن را در حال حاضر نشان دهد:

یا مجلس الامن القدیم/ صوتی یجییک زهره حمرا/ من حقل الجریحه/
فالی اللقاء.... الی اللقا/ یا مجلس الامن القدیم/... (القاسم،۱۹۸۷:٦٣٦).

ای شورای قدیم امنیت/صدای من/چونان گلی سرخ/به سوی تو می‌آید/از کشتزار جنایت؛ پس به امید دیدار/به امید دیدار/ای شورای قدیم امنیت.... (بیدج،۱۳۷۳:٤٣).

نتیجه‌گیری

ادبیات تطبیقی در مفهوم علمی آن هیچ‌گاه از پریشانی مفهوم، منطق و قلمرو بحث بر کنار نبوده است؛ اما صاحبنظران و منتقدان معاصر برآنند که فلسفه ادبیات تطبیقی بر مطالعه ادبیات در برون از مرزها مبتنی است؛ خواه این مرزها زبانی باشد و خواه جغرافیایی یا بین رشته ای.

–مطالعات ادبیات تطبیقی یکی از راه‌های آشنایی با اشتراکات فرهنگی کشورها و ملل مختلف است. در این مقاله نشان داده شد بین برخی از اندیشه‌های علیرضا قزوه و سمیح القاسم، دو شاعر معاصر ایرانی و فلسطینی با وجود تفاوتهایی که طبیعتا در دیدگاه‌های هردو هست، به دلیل تجربه شرایطی تقریبا همگون، همسانیهایی محتوایی در مضمونهای زیل دیده می‌شود:

۱. در شعر سمیح به علّت تفاوت دیدگاه مذهبی که با قزوه دارد، مفهوم وطن نمودی چون قزوه ندارد. وطن در شعر قزوه از وطن در شعر سمیح القاسم گسترده‌تر است.

۲. غالبا معشوق در شعر قزوه و سمیح از معشوق زمینی به دوست، شهید، مرگ و شهادت تغییر شکل می‌دهد و چون دو شاعر، وطن خود را درگیرودار جنگ می‌بینند، نگاهشان به عشق و رفتارهای عاشقانه با آنچه در شعر دیگران دیده می شود، متفاوت است.

۳. اعتراض دو شاعر به همنوعان بی‌اعتنا و پذیرندگان ظلم، بیدردان مرفه و در سطح بالاتر به مجامع و سازمانهای حقوق بشری و غربیها قابل توجه است.

٤. طنز بنا بر مفهوم آن نه قالب و نوع ادبی به صورتی تلخ و عمیق در اشعار قزوه و سمیح بیشتر در سه سطح کلمه، جمله و بند و گاه در کلیت شعر دیده می‌شود.

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

پانوشت

۱. جهان وطنی (cosmopolitisme) از دو واژه یونانی(cosmos) به معنای دنیا و(polites) به معنای شهروندی تشکیل شده و مفهوم این اصطلاح این است که همه مردم دنیا اهل یک کشورند. تا قرن بیستم این یک باور بود؛ اما از قرن بیستم به بعد به صورت یک مکتب ادبی توسط دو شاعر فرانسوی، "والری ریو" و"پل موران" وارد حوزه ادبیات شد که واکنشی بود در مقابل کسانی که به صورت افراطی در قرن هجدهم وطن‌پرستی را در اشعار یا نوشته‌های خود طرح می‌کردند. مهمترین پایه‌های این مکتب عبارت است از:

–اعتقاد به یک جهان واحد، بهره‌گیری از دستاوردهای دنیای پیشرفته، حکمفرمایی بشر برطبیعت، گریز از گذشته و اهتمام بر ساختن آینده بهتر (www.basirat.ir).

۲. گوران، عبداله پشیو و شیرکو، سه تن از شاعران شهیر کرد عراق. سوتماک: کشتزار سوخته و عنوان یکی از شعرهای شیرکو.

منابع

۱. کتابها

بسیسو، معین؛ ماه مومیایی؛ ترجمه موسی بیدج، تهران: انتشارات حوزه هنری،۱۳۷۳.

حسینی، صالح؛ واژه‌نامه ادبی؛ چ دوم، تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۵.

داد، سیما؛ فرهنگ اصطلاحات ادبی؛ تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۷۵.

روزبه، محمدرضا؛ ادبیات معاصر ایران (شعر)؛ تهران: انتشارات روزگار، ۱۳۸۱.

سمیح القاسم؛ دیوان؛ چاپ ؟، بیروت: دارالعوده، ۱۹۸۷.

سمیح القاسم؛ المجموعه الکامله؛ الجزء الثالث، چاپ؟، الکویت: دار السعاد الصباح، ۱۹۹۳.

سمیح، القاسم؛ برای مردن وقت نداریم؛ ترجمه موسی بیدج، تهران: انتشارات حوزه هنری، ۱۳۷۳.

شفیعی کدکنی، محمد رضا؛ شعر معاصر عرب؛ تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۰.

فروغی جهرمی، محمد قاسم؛ مقوله‌ها و مقاله‌ها (بررسی ادبیات دفاع مقدس، ج ۱)؛ تهران : بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، ۱۳۸۹.

قبانی، نزار؛ شعر، زن و انقلاب؛ ترجمه عبدالحسین فرزاد، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳٦٤.

قزوه، علیرضا؛ قطار اندیمشک (گزینه اشعار)؛ تهران:انتشارات لوح زرین،۱۳۸٤.

کافی، غلامرضا؛ دستی بر آتش؛ شیراز: انتشارات نوید ،۱۳۸۱.

محمدی نیکو، محمد رضا؛ باقری، ساعد؛ شعر امروز؛ تهران: انتشارات المهدی، ۱۳۷۲.

مهدی نژاد، امید؛ سیار، محمد مهدی؛ دادخواست؛ انتشارات سپیده باوران، ۱۳۸۸.

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]

۲. مقالات

آریان، حسن؛ بیرانوند، نسرین؛ «بررسی تطبیقی ادب مقاومت ایران و فلسطین»؛ مطالعات ادبیات تطبیقی، ش ۳۷، بهار ۱۳۹۱؛ ص۹تا ۳۰.

پیشوایی علوی، محسن؛ پناهی، حسین، گلاله؛ « نوستالژی در شعر سمیح القاسم»؛ پژوهشنامه نقد ادب عربی، ش ٦؛ ۱۳۹۱.

حسینی مؤخر، سید محسن و نجات، سید حمید؛ «بررسی تطبیقی درونمایه اعتراض در شعر احمد مطر و علیرضا قزوه»؛ مطالعات تطبیقی فارسی و عربی، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵؛ ص ۳۹تا ٦٦.

روشنفکر ،کبری؛ زارع برمی، مرتضی؛ قبادی، حسینعلی؛ «گستره عناصر نماد و اسطوره در اشعار سمیح القاسم و حسن حسینی »؛ فصلنامه پژوهشهای زبان و ادبیات تطبیقی، دوره ۲ ش ۲(پیاپی ٦) تابستان ۱۳۹۰؛ ص ٤١ تا ۷۲.

روشنفکر،کبری؛ زارع برمی، مرتضی؛ قبادی، حسینعلی؛ « تحلیل تطبیقی درونمایه های مقاومت در اشعار سمیح القاسم، حسن حسینی و قیصر امین پور »؛ فصلنامه زبان و پژوهشهای تطبیقی، دوره ۲ ش ٤ (پیاپی۸)، زمستان ۱۳۹۰؛ ص٤١تا ۷۲.

سازمند، فهیمه؛ «شکوائیه و اعتراض در اشعار علیرضا قزوه»؛ مجله مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، دوره سوم، ش ۳، پاییز ۱۳۹٦؛ ص ۸۳تا۹۱.

سالاری خالص، لیلا؛ «تحلیل تطبیقی ادبیات مقاومت در اشعار سمیح القاسم و سید حسن حسینی»؛ مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، دوره سوم، ش ۲، تابستان ۱۳۹٦؛ ص۷۳تا۸۲.

سپندی، فائزه، اژه‌ای، تقی؛ «جلوه‌های پایداری و تعهد در شعر سلمان هراتی و سمیح القاسم»؛ کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی –فارسی) دانشگاه رازی کرمانشاه، ش ۲۷، پاییز ۱۳۹٦؛ ص۲۳تا٤٤.

میر قادری، سید فضل الله؛ « راز ماندگاری سروده‌های پایداری سمیح القاسم »؛ کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱ ش ۱، بهار ۱۳۹۰؛ ص۲۳تا ٤٤.

عابدی، علی؛ یزدی، حسین؛ «بررسی مضمون‌ها و حوزه‌های عرفان در اشعار قزوه»؛ نشریه ادبیات پایداری، ش ١٦؛ ۱۳۹٦.

نظری مقدم، هادی؛ «ادبیات تطبیقی، تعریف و زمینه‌های پژوهش»؛ نشریه ادبیات تطبیقی (ادب و زبان دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان)، دوره ۱، ش ۲، بهار ۱۳۸۹؛ ص ۲۲۱تا۲۳۷.

[Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-10-12]